

# منابع نفتی دریای خزر و امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

## ■ چکیده

در این نوشتار، مؤلف ضمن اشاره به این واقعیت که آمار مربوط به توان تولید نفت در کشورهای این منطقه غیر واقعی بوده و مطابق با استانداردهای علمی نمی‌باشد؛ از سطح واقعی توان تولید نفت سختی گفته است و این که این میزان از تولید علی‌القاعده نمی‌تواند تأثیر چندانی بر روی نیاز جهانی داشته باشد. افزون بر این، پایین بودن میزان نفت قابل استخراج از یک جهت دیگر، معادلات منطقه‌ای را دستخوش تغییر و تحول می‌سازد، که ناظر بر هزینه‌های اقتصادی مربوط به طراحی بهترین راهها برای انتقال نفت این منطقه می‌باشد.

مؤلف ضمن بررسی راههای مختلفی که در این باره تاکنون پیشنهاد شده به ارزیابی اقتصادی هر یک همت گمارده و در نهایت مزایای اقتصادی راه ایران را بر شمرده است؛ البته به شرطی که طرح ایران نه ناظر بر «انتقال» نفت خام بلکه خرید آن باشد. افزون بر این، دو موضوع مهم دیگر در حوزه دریای خزر وجود دارد که می‌تواند همچون مقوله نفت مورد تأمل قرار گیرد: اول توان تولید گاز در منطقه است که ارزش اقتصادی به مراتب بیشتری دارد و دیگر بحث مهم رژیم حقوق دریای خزر است که متأسفانه تاکنون اقدام مؤثری در سامان‌دهی آن نشده است. نتیجه آن که امنیت اقتصادی ایران در گرو پرداختن به سه موضوع رژیم حقوقی، گاز و نفت در این منطقه است که به ترتیب از اولویت یک تا سه بر ما برخوردار هستند.

## ■ فهرست

- الف - قابلیت‌ها ..... ۳۲
- ب - توانایی تولید ..... ۳۳
- ج - راههای صدور ..... ۳۴
- د - توضیحات تکمیلی ..... ۳۷

## ■ کلید واژه‌ها

- ایران .....
- آسیای میانه .....
- قفقاز .....
- اقتصاد .....
- سیاست .....
- فرهنگ .....
- آمریکا .....

## الف - قابلیت‌ها

اگر ما جدول رزرو کشورها را در نظر بگیریم، که راجع به آن خیلی هم بحث شده است، از زمان فروپاشی شوروی، همه صحبت از ۲۰۰ میلیارد بشکه نفت در این منطقه می‌کردند. اکنون ثابت شده که این رقمها اصلاً حقیقت ندارد و رقم بسیار معتدل‌تر از اینهاست. آذربایجان و قزاقستان و ترکمنستان می‌کوشیدند تا جایی که ممکن است سهم خود را بیشتر جلوه بدهند تا بتوانند سرمایه‌گذارهای بیشتری جذب کنند. از طرف دیگر استناد به ارقام در مورد حجم مواد خام بطور کلی غلط است. ذخایر را - همان طوری که شرکت BP می‌گوید - باید با شرایط اقتصادی و قیمت نفت منطبق کرد و به صورت خام معنی ندارد. به عبارت دیگر، حجم طبیعی موجود، در بحث حاضر چندان مطرح نیست بلکه رقمی که از ملاحظه ارزش اقتصادی نفت در سطح جهانی برای استخراج به دست می‌آید مهم است؛ مثلاً ممکن است علی‌رغم توان بالقوه استخراج ۲۰ میلیارد بشکه، اما با توجه به قیمت نفت استخراج بیش از ۲ میلیارد اصلاً مقرون به صرفه نباشد. در این جا رقم دوم مدنظر است. از این رقم به recal over reserve یاد می‌شود، یعنی چیزی که قابلیت استخراج دارد. مطابق میانگین برآوردهایی که من انجام داده‌ام، آذربایجان چیزی بین ۵ تا ۱۰ میلیارد بشکه، قزاقستان چیزی مثلاً حدود ۲۰ میلیارد بشکه، ترکمنستان هم ۲ تا ۳ میلیارد بشکه. جمعاً ۲۷ تا ۳۰ میلیارد بشکه نفت دارند؛ البته پتانسیل ۴۰ تا ۶۰ میلیارد بشکه هم می‌تواند وجود داشته باشد و لیکن بستگی به افزایش قیمت نفت دارد. نتیجه آن که آذربایجان، کویت نیست، قزاقستان هم عربستان سعودی نیست و خلاصه این که دریای خزر هم خلیج فارس نیست، بلکه نسبت به ذخایر کل، منطقه‌ای کوچک به حساب می‌آید؛ مثلاً ما الان سخن از ۳۰ تا ۴۰ میلیارد بشکه می‌کنیم حال آن که ذخایر

نفت ایران بیشتر از ۹۰ میلیارد بشکه است، وضعیت کویت هم به همین ترتیب است. برای عربستان سعودی صحبت از ۲۶۰ میلیارد بشکه است. چنان که ملاحظه شد، عامل «قیمت» در معادله حاضر بسیار تعیین کننده می باشد. این در حالی است که در حال حاضر هیچ روش قابل اعتمادی برای تعیین و یا تخمین قیمت نفت وجود ندارد. در این زمینه حکایت ما مطابق همان وضعیتی است که معمولاً در گفتمان رایج متخصصان می آید، آن جا که می گویند: وقتی کسی بخواهد پیش بینی دقیقی از قیمت نفت بکند، مثل آن است که یک سند را با بی اطلاعی امضاء کرده باشد.

### ب - توانایی تولید

وضعیت پتانسیل تولید با پتانسیل موجود از نفت خام بسیار فرق می کند؛ مثلاً اگر قیمت بین ۱۵-۱۲ دلار باشد، بسیاری اعتقاد دارند دریای خزر به آن ترتیبی که گفته شد، تولیدی نخواهد داشت؛ علتش هم این است که ۴ یا ۵ دلار خرج تولید هر بشکه نفت و ۴ یا ۵ دلار هم هزینه حمل و نقل نفت است. ۲ دلار هم خرج روزمره تولید است که رقم آن به حدود ۱۱ دلار سر می زند. شرکتها و دولتها هم هر یک سهمی خواهند خواست که در نهایت ۱۲ دلار هزینه قطعی می گردد. در این جا معلوم می گردد که اگر قیمت از آن پایین تر بیاید، احتمال تولید در دریای خزر منتفی می شود. البته سرمایه گذارها ادامه خواهد داشت ولی درآمدزا نیست. تولید آذربایجان را بین ۷۰۰ هزار تا یک میلیون بشکه در روز، قزاقستان را  $\frac{1}{2}$  میلیون بشکه در روز، ترکمنستان هم چیزی نزدیک ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار بشکه در روز، روی هم حدود ۲ تا  $\frac{2}{5}$  میلیون بشکه در روز پیش بینی کرده اند. از این منطقه می توانیم در سال ۲۰۱۰ بین ۲ تا  $\frac{2}{5}$  میلیون بشکه استخراج داشته باشیم. با قبول این فرض، سهم این منطقه از کل تولید نفت یعنی تولید حدود ۸۵ میلیون بشکه در روز و چیزی نزدیک به ۳ درصد می باشد. این رقم، رقم عمده ای در تولید جهانی نیست. همه این  $\frac{2}{5}$  میلیون هم احتمالاً صادر نمی شود. چون این کشورها خود کشورهایی در حال توسعه هستند و مقدار زیادی از این نفت را برای مصارف داخلی نیاز دارند. پیش بینی می شود که عملاً ۷۵۰ هزار بشکه را خود تولیدکنندگان باید مصرف کنند. در نتیجه آن چیزی که برای صادرات می ماند شاید  $\frac{1}{5}$  میلیون یا یک میلیون و هفتصد و پنجاه هزار بشکه برای صادرات باشد.

مثلاً در مورد ایران، که قسمت جنوبی دریای خزر متعلق به اوست و عمیق تر هم

می‌باشد ما با صرف میلیاردها دلار، ممکن است ۵۰ تا ۷۰ هزار بشکه بتوانیم نفت استخراج کنیم؛ در حالی که شاید دو چاه معمولی ما در جنوب این قدر نفت را استخراج کند. اصلاً عاقلانه نیست که این همه سرمایه و پول را برای این مقدار نفت هزینه کنیم. البته از لحاظ استراتژیک و از لحاظ حضور داشتن در منطقه و جلوگیری از دست‌اندازی دیگران به منابع نفتی کشورمان، باید به حوزه شمال هم توجه کرد. در حال حاضر حدود ۱۰۰ تا ۱۲۰ هزار بشکه نفت، از این منطقه استخراج می‌شود که البته بیشتر در قسمت آذربایجان است. احتمالاً تا سال ۲۰۰۰ هم همین حد حفظ خواهد شد و بعد از سرمایه‌گذاریهایی که شده، این رقم حتماً ارتقاء خواهد یافت.

### ج - راههای صدور

برای صادرات نفت از منطقه دریای خزر راههای معدودی وجود دارد که یکی از شمال است و از طریق روسیه. در حال حاضر از باکو تا بندر نوروسیسک خطی وجود دارد که از چپن می‌گذرد؛ این خط را با صرف هزینه‌ای بالغ بر ۵۰ یا ۶۰ میلیون دلار تعمیر کرده‌اند و الان حدود ۱۰۰ هزار بشکه نفت را می‌تواند منتقل بکند. البته اخیراً گرفتاریهایی با چپن رخ داده که امر انتقال متوقف شده است؛ به هر حال ضریب امنیتی این خط بالا نیست.

راه دیگر از طریق گرجستان است که برای ایجاد مقدمات لازم و تعمیرات ضروری مبلغی بالغ بر ۴۰۰ میلیون دلار خرج شده و به احتمال حتی برای آن ۷۰۰ میلیون دلار دیگر باید خرج شود. تمام این هزینه‌ها برای آنست که بتوانند حدود ۲۵۰ هزار بشکه نفت را به دریای سیاه منتقل کنند. مشکل دریای سیاه یک چیز دیگر هم می‌باشد؛ محموله‌هایی که به دریای سیاه می‌رسند، در ادامه مسیر باید از تنگه بسفر بگذرد و ترکیه با این کار به خاطر مسایل زیست‌محیطی مخالف است. البته ترکیه با این کار خود می‌کوشد که سرمایه‌گذارها را متوجه خود بکند؛ ولی به هر حال نفس ادعا نامعقول نیست.

راه شمال از طریق روسیه هم امکان عبور دارد که از طریق قزاقستان نفت را به دریای سیاه می‌رساند؛ این هم حدود ۳ میلیارد دلار خرج دارد که در دست اجراست. قرارداد مربوطه بسته شده و کارهای مالی اش هم تا حدودی انجام گرفته است. با اجرای این طرح حدود یک میلیون بشکه نفت را می‌توان حمل کرد.

راه دیگری که راجع به آن بحث زیادی راهی است که از باکو به بندر جیحان در ترکیه می‌رود. این طرح حدود ۳ تا ۵/۳ میلیارد دلار خرج دارد و یک میلیون بشکه در روز را می‌تواند حمل بکند. بحث اصلی شرکتها این است که اگر یک میلیون از این خط منتقل گردد، مقداری هم از قزاقستان و نیز ایران انتقال یابد دیگر چیزی نمی‌ماند؛ این است که اجرای طرح را به تأخیر می‌اندازند و تا آن جایی هم که الان صحبتش است شاید اصلاً اجرا نشود، چون شرکتها واقعاً نمی‌خواهند در این زمینه به علت ریسک بالا سرمایه‌گذاری کنند.

راه بعدی راه جنوب یا همان راه ایران است. ایران از یک موقعیت ممتاز جغرافیایی برخوردار است. ایران در مقایسه با سایر کشورهای منطقه علاوه بر موقعیت بسیار ممتاز خود مصرف داخلی بالایی هم دارد. ما الان حدود یک میلیون و سیصد هزار بشکه در روز تصفیه می‌کنیم که مقدار زیادی از آن مصرف می‌شود. علاوه بر آن، خطوط انتقال نفت و گاز ایران به کشورهای مزبور بسیار نزدیک است. این چند امتیاز را ایران نسبت به هر کشور دیگری در منطقه دارد. ولی به نظر من چیزی که حتی در شرکت نفت و در دولت هم خیلی توجه نمی‌شود، که باید این را در مجامع بین‌المللی گفت، این است که ما ترانزیت نیستیم بلکه ما نفت را می‌خریم. اگر ما به صورت بازار به خودمان نگاه کنیم، بسیاری از معادلات عوض می‌شود. اگر ما بگوییم ما بازار هستیم و ما خودمان نفت را در بندرها می‌خریم. در آن صورت برای ما شاید ۲ یا ۳ دلار و حتی ۵ دلار منفعت داشته باشد که ما نفت آنها را خریداری، پالایش و مصرف کنیم. در مقابل، نفت خود را ۵ دلار گرانتر در جنوب بفروشیم. و آن را برای مصرف ۱۰۰۰ کیلومتر بالاتر بیاوریم. این بطورکلی یک جنبه اقتصادی خوب برای ایران خواهد داشت. در این مورد در ۳ فاز صحبتش هست که این کار را بکنند که فاز اول آن - یعنی حوزه «نکا» و «ری» - بسیار جدی است. بین نکا و ری حدود ۴۰۰ کیلومتر راه است و حدود ۲۸۰ میلیون دلار خرج این لوله می‌شود. ۱۲۰ میلیون دلار هم صحبتش بود صرف تغییرات ضروری در پالایشگاههای تهران و تبریز بشود تا توان بر جذب این نفت را بیابند؛ چرا که نفت آنها از لحاظ کیفیت با نفت ما فرق می‌کند و با تصفیه خانه‌های خودمان نمی‌توانیم نفت آنها را پالایش کنیم. این پروژه را هم اخیراً شرکت «موتنا» (با حدود ۳۵۰ میلیون دلار) برنده شده البته هنوز کاری نکرده است. این فاز اول است که می‌تواند ۴۵۰ هزار بشکه در روز را از دریای خزر جذب کند. فاز ۲ و ۳ فعلاً در مقام نظر است چون فعلاً صحبتی در

موردش نیست. فاز ۲ آن به این صورت می‌تواند باشد که از دریای خزر یک لوله کوتاه از تقاطع لوله‌هایی که نفت را از تهران به تبریز می‌برد، کشیده شود. اگر چنین کاری انجام گیرد با ۶۰ یا ۷۰ کیلومتر می‌توانیم از آن تقاطع زاویه‌ای به تبریز و سر زاویه دیگرش به تهران متصل کنیم. در نتیجه در این حالت ۲۰۰ هزار بشکه دیگر به آن ۳۵۰ هزار بشکه اضافه می‌شود. که در واقع ما مواد اولیه پالایشگاه تهران و تبریز را خواهیم داشت. در نتیجه تا حدود ۷۰۰ هزار بشکه را ما با یک سرمایه‌گذاری - ۷۰۰ میلیون دلاری می‌توانیم جذب کنیم. این در مقایسه با ۳ میلیاردی که قرار است هزینه گردد تا از آن طریق یک میلیون بشکه احیاء شود، رقم قابل ملاحظه‌ای است. صحبتی هم از انتقال خط باکو - جیحان از طریق ایران بود که با مخالفت شدید آمریکا و کشورهای مخالف نقش ایران مواجه شد؛ در حال حاضر مورد نظر لوله‌ای است که از روسیه و چین می‌گذرد، لوله‌ای که از باکو سیبسانگ (گرجستان) عبور می‌کند و می‌تواند حدوداً ۳۵۰ هزار تا ۴۰۰ هزار بشکه را منتقل کند. یک لوله یک میلیون بشکه‌ای هم از طریق (تنگیز) بین قزاقستان به نورووسیسک در حال ساخت است.

راه دیگری هم پیش‌بینی شده بود که مستقیماً از قزاقستان با صرف هزینه‌ای بالغ بر ۳ میلیارد دلار به چابهار لوله‌ای کشیده شود. که سرمایه‌گذاری در آن در حال حاضر ممکن نیست.

اما در مورد گاز که به نظر من شاید مهمترین امتیاز ایران باشد، باید گفت که چون ایران دومین ذخایر گاز دنیا را دارد از این لحاظ باید راجع به آن فکر کنیم. در رزروهای مختلف گاز چنین آمده که در منطقه ایران حدود ۲۳ تریلیون متر مکعب گاز موجود است، بعضیها تا ۲۵ و ۲۶ تریلیون هم تخمین می‌زنند. قطر ۸/۵، ابوظبی ۵/۵ عربستان سعودی حدود ۶ و باقی خاورمیانه حدود ۷ تریلیون متر مکعب است. آسیای مرکزی یعنی قزاقستان و آذربایجان و ترکمنستان هم ظرفیتی حدود ۱۵ تریلیون متر مکعب دارد. جمعاً حدود ۴۰ درصد گاز دنیا در این منطقه است. اگر روسیه را هم به حساب آوریم روی هم رفته ۷۰ درصد ذخایر گازی دنیا از این منطقه است که در این زمینه ایران در مرکز این حوزه قرار می‌گیرد، چرا که ایران می‌تواند خاورمیانه را به روسیه و آسیای میانه وصل کند.

از دید تقاضا باید گفت که متقاضی اصلی گاز منطقه، شبه قاره هند است. شبه قاره هند ۴۰ تا ۱۴۰ میلیارد متر مکعب در روز تقاضا دارد. ترکیه ۳۰ تا ۴۰ میلیارد متر مکعب

تقاضا دارد، که اکنون در برخی محافل علمی از ۷۰ میلیارد متر مکعب برای سال ۲۰۱۰ سخن می‌گویند. حجمی حدود ۱۰ تا ۱۵ میلیارد متر مکعب هم به اروپا و جنوب آن می‌رود. خود خاورمیانه نیز تقاضای عظیمی برای گاز دارد. در کشور خودمان حدود ۴۵ تا ۵۰ میلیارد متر مکعب مصرف و بیش از ۸۰ تا ۸۵ میلیارد متر مکعب تولید می‌کنیم. سایر کشورها را هم در نظر بگیریم، حجم مصرف برای سال ۲۰۱۰ به ۱۵۰ تا ۱۷۰ میلیارد متر مکعب می‌رسد. بنابراین جمعاً ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیارد متر مکعب گاز در این منطقه مصرف می‌شود و یا تقاضا برایش وجود دارد. کشورهای تولیدکننده شامل ابوظبی، ایران، قزاقستان، عمان، قطر و ترکمنستان می‌باشند؛ آنهایی که در آینده مصرف کننده خواهند بود، عبارتند از: افغانستان، ارمنستان، قسمتی از اروپا، گرجستان و ترکیه و گاز به صورت مایع هم ژاپن و کره مصرف کنندگان خواهند بود. لوله‌های گاز ایران از جنوب به شمال است. گازی که قبلاً به روسیه صادر می‌شد، لوله‌های ۴۲ اینچی آن هنوز وجود دارد. یک لوله ۵۶ اینچی دیگر از کنگان تا قزوین آمده و از سرخس تا رشت هم وصل شده است. در نتیجه با افزودن مقداری لوله به تشکیلات قبلی، ممکن است که بتوانیم همان گاز ترکمنستان را به شبکه خودمان وصل کنیم. اگر برای این کار طرحی را تهیه و همکاری بین ایران و ترکمنستان و مثلاً قطر باشد تا بتوانند هم به ترکیه گاز برسانند و هم به جنوب اروپا و هند و پاکستان توفیقی بزرگ و به صرفه خواهد بود. عقد چنین قراردادهایی بیشتر به نفع ایران می‌باشد ولی معمولاً مشکل سیاسی پیدا می‌کند، چراکه باید از بانکهای خارجی تأمین اعتبار شود. بانکهای آمریکایی که قسمت مهمی از بانکهای دنیا هستند، امکان سرمایه‌گذاری ندارد و باید برای سرمایه‌گذاری به سراغ بانکهای اروپایی رفت، این در حالی است که درآمد حاصله هم طوری نیست که چندان جذاب باشد. به خاطر مشکلات فراوان میان هند و پاکستان احتمالاً اجرای فاز مربوط به قسمت شبه‌قاره هند ممکن نیست ولی قسمت ترکیه‌اش احتمالاً در دو سه سال آینده عملی خواهد شد؛ البته با وجود فشارهای آمریکا و هزینه ۳ تا ۴ میلیارد دلاری آن، پروژه در حال انجام گرفتن است.

#### د- توضیحات تکمیلی

۱- در مورد خط لوله باکو - نووروسیسک باید گفت که خطی است که قبلاً وجود داشته و از چچن رد می‌شده و از این رو چیز جدیدی ساخته نشده بلکه همان لوله را

تعمیر کرده‌اند. روسها اعتقاد دارند که اگر در کنار این لوله یک لوله دیگر بسازند، این لوله می‌تواند حمل نفت را انجام بدهد. البته به خاطر مسایل چپن احتمالاً حد و حدود لوله در همین ۱۰۰ هزار بشکه باقی بماند.

۲- در مورد گاز ترکیه، قرارداد ما برای سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۰، ۳ میلیارد متر مکعب است؛ که به تدریج تا سال ۲۰۱۰ به ۱۰ میلیارد متر مکعب می‌رسد. کوشش زیادی هم می‌شود که تولید مناطق گازی پارس جنوبی مخصوصاً تا ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ شروع بشود که در آن صورت هر کدام از فازهای پارس جنوبی یک میلیارد مکعب در سال تولید خواهد داشت.

۳- امتیاز طلبی شرکتها، عصر امتیاز به آن ترتیبی که قبلاً بود تقریباً در دنیا از بین رفته و مهم این است که شرکت‌های نفتی هم دنبال این مسأله نیستند. در دهه ۱۹۷۰ و قبل از آن مسأله امتیاز بسیار مطرح بود به گونه‌ای کمپانیها رسماً به خاطر آن، در سیاست کشورها دخالت کرده و حتی کودتا راه می‌انداختند. در حال حاضر وضع دنیا به طور کلی عوض شده است. اما متأسفانه در کشور ما هنوز کسانی هستند که راجع به نفت در قالب همان سیستم قدیمی همانند زمان ملی شدن شرکت نفت می‌اندیشند؛ در نتیجه در حالی که شرکت‌های خارجی امروزه دنبال امتیاز نیستند ما نباید نگران امتیاز باشیم. شاید از ما امتیاز نخواستند و در عوض الگوی<sup>۱</sup> (سرویس کانتراکت را پیشنهاد دادند که باید در این باره جوری عمل کرد تا اختیار عمل و قدرت مانور خویش را از دست ندهیم.

۴- ارزش قرارداد توتال؛ متن قرارداد توتال را ندیده‌ام ولی شرکت نفتیها می‌گویند که قرارداد توتال در شرایط سیاسی ویژه‌ای بسته شده است که لزوماً در قراردادهای دیگر، همانند آن عمل خواهد شد البته باید از این که آیا توتال به تمامی تعهداتش به درستی عمل کرده یا نه و نیز با توجه به شرایط ثابتی که هم اکنون ایران از آن برخوردار است باید نسبت به تأمین منافع کشور در قراردادهای گوناگون دقت نظر داشت.